

بررسی عوامل مرتبط با احساس ناامنی در محلات شهری؛ در ناحیه ۳ منطقه ۱۷ شهرداری تهران

علی رضوان*، منصور فتحی**

مقدمه: در این پژوهش، عوامل عمده مرتبط با احساس ناامنی در ساکنان محلات شهری شناسایی و تجزیه و تحلیل شده است. بر این مبنای راهکارها و پیشنهادهایی کاربردی برای ارتقاء احساس امنیت شهروندان در محل سکونت آنان ارائه شده است.

روش: روش پژوهش حاضر از نوع پیمایشی است. جامعه آماری را افراد بیش از شانزده سال در ناحیه سه از منطقه هفده شهرداری تهران تشکیل می‌دهد. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه منظم استفاده شد؛ سپس اطلاعات به دست آمده را با استفاده از آزمون‌های تحلیل واریانس (آزمون آماری F)، کای اسکویر و آزمون دقیق فیشر تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها: بین ساکنان محله‌های مورد مطالعه از نظر میزان احساس ناامنی تفاوت معناداری وجود دارد. متغیرهای سن، تعداد خانوار در واحد مسکونی و میزان شناسایی محله توسط افراد مورد مطالعه عموماً در احساس ناامنی ساکنان تأثیرگذار نیست؛ اما متغیرهایی همچون مدت زمان سکونت در محل و احساس تعلق مکانی افراد مورد مطالعه، به‌طور معناداری در احساس ناامنی آنان مؤثر است.

نتایج: بررسی به‌عمل آمده نشان می‌دهد که احساس ناامنی ساکنان، به ترتیب، متأثر از جرائم خرید و فروش مواد مخدر، وجود اراذل و اوباش، مصرف مواد مخدر و حضور معتادان در محل، مزاحمت برای نوامیس مردم و نزاع و درگیری بوده است. در مجموع، بین ساکنان محله‌های مورد مطالعه از نظر میزان احساس ناامنی تفاوت معناداری وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: امنیت، احساس ناامنی، جرم، شهروند، محله.

تاریخ دریافت: ۸۹/۴/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۱/۳/۱۵

* کارشناس ارشد شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس <rezvan648@yahoo.com> (نویسنده مسئول)

** دانشجوی دکتری مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

مقدمه

گسترش شهرنشینی موجب پیچیده‌تر شدن ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی شهر و بروز ناامنی در محلات مسکونی شده است. همچنین روابط بین فضا و انسان، در محیط شهری، معنای جدیدی یافته است؛ اما می‌توان ادعا کرد آنچه در این میان از نظر ماهیتی و نه شکلی، تغییر نکرده، نیاز به امنیت است. نگاهی تاریخی به الگوهای زیستی بشر، نشان می‌دهد که امنیت نقش اساسی در شکل‌گیری و تکامل آن ایفا کرده و همیشه به عنوان عنصری مهم سایر ابعاد زندگی را تحت تأثیر قرار داده است. احساس امنیت و آرامش شهروندان در محیط‌های پیرامون و محل کار، زندگی، رفت‌وآمد، تفریح و گذران اوقات فراغت، محیط‌های آموزشی فرهنگی و... از عوامل مهم و تأثیرگذار بر کیفیت زندگی آنان است. پیشگیری از بروز جرائم در محله‌ها و فضاهای شهری با مکانیسم‌های برنامه‌ریزی اجتماعی و شهری از اهمیت فراوانی برخوردار است. این پیشگیری، در راستای محدود کردن فرصت بروز جرائم و کمک به ارتقاء احساس امنیت ساکنان شهر است.

امروزه، جرم و احساس ناامنی در برابر آن، در محلات شهری، از دغدغه‌های اصلی شهروندان به‌شمار می‌رود. نتایج برخی تحقیقات نیز مؤید این مطلب است. نظرسنجی سال ۱۹۹۸ از شهروندان در پاریس نشان می‌دهد: آلودگی (هوا و صوتی) با ۶۲ درصد، ازدیاد پناه‌جویان با ۶۰ درصد، ناامنی با ۴۴ درصد و بزهکاری با ۴۸ درصد، از مشکلات عمده آنان است (آلن بوئر، ۱۳۸۲). پژوهش‌های عمومی در زمینه درک کیفیت زندگی، رضایت محله‌ای و سرمایه اجتماعی گویای این حقیقت است که برای اکثر مردم، جرم نوعی نگرانی مهم محسوب می‌شود. در واقع، ترس از جرم، از بیش‌ترین عناوین تحقیق در جرم‌شناسی معاصر و رایج‌ترین نگرانی در اداره جامعه است (Laura and et al, 2007). نظرسنجی در هشت شهر بزرگ ایران (تهران، همدان، ارومیه، شیراز، کرمان، یزد، اصفهان، مشهد) به منظور تعیین میانگین احساس امنیت آنان نشان داد، ۸۱ درصد ساکنان در این شهرها احساس ناامنی می‌کنند (عربی، ۱۳۸۴). بر مبنای آمارها، در تهران، رابطه معناداری

بین مناطق مختلف و ماهیت و تکرار جرائم وجود دارد؛ لذا می‌توان این مناطق را برپایه کیفیت امنیت شهری طبقه‌بندی کرد. متأسفانه در برخی مناطق تهران، به‌دلایل مختلف اجتماعی و اقتصادی و حتی فعالیتی، زمینه‌های مساعدتری برای بروز و تشدید ناامنی وجود دارد؛ از این‌رو زندگی اجتماعی مردم با مشکلات جدی روبرو شده است. به‌نظر، باید در حوزه‌های مختلف علمی برای شناسایی و رفع مشکل، اقدامات جدی صورت پذیرد. از جمله این مناطق، منطقه هفده تهران با ویژگی‌هایی به شرح زیر است: تراکم جمعیتی زیاد، قطعات کوچک مسکونی، فرسودگی و فشردگی بیش‌ازحد بافت، شبکه معابر کم‌عرض، محله‌های ناهمگن، پایین بودن حس تعلق مکانی در ساکنان، ساکنان کم‌درآمد و مهاجر، وجود کاربری‌های فراشهری در منطقه، گسیختگی کالبدی بافت به عوامل مختلف از جمله عبور دو مسیر راه‌آهن (تهران تبریز و تهران جنوب) از داخل بافت این منطقه و ... وجود مؤلفه‌های مذکور به‌همراه سایر عوامل مرتبط، ساکنان منطقه را با مشکلاتی مواجه ساخته است که از آن جمله، احساس امنیت کم در بین ساکنان است. پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به پرسش زیر است:

چه عواملی در شدت احساس ناامنی ساکنان محلات شهری تاثیرگذار است؟

پیشینه تحقیق

در اوایل قرن بیستم، کلیفورد شاو و هنری مک‌کی با تأکید و تمرکز بر خصوصیات مجرمان، تغییراتی بنیادی در ماهیت تحقیقات جرم‌شناسی پدید آوردند. آنان مطالعه جرم را به زمینه‌های اجتماعی و اجتماعات وارد کردند (Ackerman and et al, 2004). اصحاب مکتب جامعه‌شناسی شهری شیکاگو نخستین کسانی بودند که جرائم شهری را در محیط‌های شهری و با توجه به ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی و کالبدی مناطق مختلف شهر بررسی کردند. آنان بر این عقیده بودند که مطالعه رفتار ساکنان شهری، در قالب

محیط‌های شهری، امکان‌پذیر است. به‌باور آنان، ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی و کالبدی در جرم‌زا بودن منطقه تأثیرگذار است. استارک^۱ (۱۹۸۷) از دانشمندان مکتب شیکاگو، پنج جنبه از ساختار شهری را جزء فاکتورهای پیش‌بینی‌کننده ارتکاب جرم در محلات برشمرد که عبارت‌اند از: تراکم، فقر، کاربری مختلط یعنی وجود اقامتگاه و صنایع و فروشگاه‌ها در یک مکان، کوچ‌گری یعنی ورود و خروج مداوم به آن و خرابی و فروریختگی ساختمان‌ها (احمدآبادی و دیگران، ۱۳۸۶).

افزایش جرم و ناهنجاری‌های اجتماعی و پیامدهای ناشی از آن، از جمله ناامنی در عصر کنونی، به ویژگی عمومی کلان‌شهرهای جهان تبدیل شده است؛ با این حال، نتیجه مطالعات تجربی حکایت از آن دارد که در برخی کشورها، این مشکل در شهرهای متوسط نیز وجود دارد. از جمله کشور انگلستان که ناامنی حتی در شهرهای متوسط آن نیز بسیار گسترده است؛ به‌طوری‌که مسئولان را به انجام اقداماتی برای ایمن‌سازی آن‌ها وادار کرده است. از آن جمله می‌توان به ایمن‌سازی در دو شهر انگلستان اشاره کرد:

دو شهر کاونتری و ناتینگهام از جمله شهرهای متوسط انگلستان است. شب‌هنگام، مراکز این شهرها همانند سایر شهرهای انگلیس با حضور افراد بی‌بندوبار ناامن شده و سکوتی عجیب در این مراکز به وجود می‌آورد. بررسی‌ها نشان می‌دهد، تخلفاتی از قبیل جیب‌زنی، کیف‌قاپی، خراب‌کاری، صدمه به وسائط نقلیه و سرقت آن‌ها و نزاع و درگیری در این مراکز رایج است شده بود (تاک و تیسدل، ۱۳۸۰). همچنین تحقیقاتی در کشور کانادا در زمینه توزیع فضائی جرائم انجام شده است. در این تحقیقات، فرض بر آن است که جرائم به‌طور تصادفی در شهر اتفاق نمی‌افتد، بلکه با سایر عوامل در ارتباط است؛ از این‌رو ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی محله‌های شهری در میزان وقوع جرم و ناامنی مؤثر است (Wallace and et al, 2006).

1- Stark

پروژه‌ای کاربردی، تحت عنوان خشونت شهری و سیاست‌های امنیت در دو شهر بارسلونا و بوگاتو انجام شد. این پروژه برای امن کردن فضاهای شهری و محور کار آن، پیشگیری از جرم بود. بنابر این پروژه، سه رکن اصلی برای پیشگیری از جرم و کاهش احساس ناامنی عبارت است از:

- ۱- اجرای قانون: هدفمند کردن گشت‌های پلیس رؤیت‌پذیر، بهبود ارتباطات و دسترسی با اجرای قانون، تکمیل کردن نظارت محله‌ای.
 - ۲- شناسایی گروه‌های در معرض خطر و انجام اقدامات پیشگیرانه اجتماعی: هدفمند کردن گروه‌های آسیب‌پذیر (زنان و کودکان و جوانان)، برنامه‌های آموزشی، توسعه مراکز حمایت از قربانیان جرم و تسهیلات تفریحی برای مشغول کردن جوانان.
 - ۳- برنامه‌ریزی برای بهبود روشنایی خیابان و مدیریت فیزیکی آن: احیاء فضای عمومی و باغ‌ها، طراحی خیابان‌ها، ساختمان‌ها، پارک‌ها و... به منظور کاهش فرصت‌های جرم و سازمان‌دهی مجدد بازارها و پایانه‌ها (Petrella, 2004).
- نتایج تحقیقات در وینی‌پگ^۱ نشان داد عامل بسیار قوی که با بیش‌ترین مقدار جرائم در واحد همسایگی مرتبط می‌شود، سطح نامساعد اجتماعی اقتصادی سکونت است (Wisener and et al, 2004).

«موسوی به نقل از گالبرایت اظهار می‌کند، توزیع جغرافیای جرائم شهری تابعی است از توزیع ناقص امکانات و خدمات و سرانجام فقدان عدالت اجتماعی و اقتصادی در بیش‌تر کشورهای جهان سوم.

پژوهش‌های متعدد، ارتباط بین شدت تعلق مکانی و احساس ناامنی را نشان می‌دهد؛ به‌طور مثال نتایج پژوهش مری^۲ نشان داد، افرادی که ارتباط اجتماعی و پیوند محله‌ای آن‌ها ضعیف است، ترس بیش‌تری از جرائم دارند. همچنین یافته‌های فیشر نشان داد که بی‌اعتمادی بین همسایگان و هم‌محله‌ای‌ها باعث می‌شود آنان ارتباطات کم‌تری داشته

1- Winnipeg

2- Merry

باشند. نبود ارتباطات و وجود بی‌اعتمادی باعث می‌شود ساکنان از دنیای بیرون خود بترسند (Fischer, 1982).

گرین برگ و همکارانش نشان دادند که دل‌بستگی عاطفی به‌منزله عنصر اساسی در هم‌بستگی اجتماعی، عامل اصلی کنترل منطقه‌ای به‌شمار می‌رود؛ چراکه احساس تعلق خاطر به اجتماع باعث می‌شود افراد احساس کنند که تحت کنترل اجتماع هستند و اجتماع به فکر آنان است (Greenberg, 1982).

تحقیقات رجینا^۱ نیز نتایج بررسی‌های مذکور را تأیید می‌کند. بنا به یافته‌ها، در واحدهای همسایگی که ساکنانی با کم‌ترین سطح درآمد و تحصیلات، بیش‌ترین نسبت مردان جوان را در خود جای داده‌اند، بیش‌ترین جرائم اتفاق می‌افتد. همچنین مباحث مرتبط با مسکن، بر سطح جرائم واحدهای همسایگی تأثیرگذار بوده است. به این ترتیب که واحدهای همسایگی با نسبت زیاد مستأجران، در مقایسه با تعداد مالکان، به بیش‌ترین جرائم خشن تمایل دارند؛ در صورتی که سطح جرائم مرتبط با اموال، در واحدهای همسایگی با نسبتی زیاد از خانه‌های قدیمی، بیش‌تر است (Wallace and et al, 2006).

جرم‌شناسان محیطی، زمینه جرم‌زایی مکان‌ها را نتیجه فرصت‌ها و فعالیت‌های افزایش‌یافته جرم تفسیر می‌کنند که تعداد زیادی از مجرمان را جذب می‌کند (McCord and et al, 2009). در پژوهشی در امریکا مشخص شد که جرائم به‌طور تصادفی و در فضا رخ نمی‌دهد. مکان‌هایی معین در محیط، ویژگی‌هایی از خود نشان می‌دهد که آن‌ها را برای مجرمان، بالقوه جذاب‌تر می‌کند. ممکن است انواع معینی از کاربری زمین در یک ناحیه وجود داشته باشد که مقدار بیش‌تری از جرم و بی‌نظمی را دامن بزند. این کاربری‌ها حجم گسترده‌ای از جمعیت را جذب می‌کند و ممکن است آنان نیز در به وجود آمدن جرم در شهر مؤثر باشند. علاوه بر این، تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که شبکه‌های خیابانی محله‌ها نیز عاملی بسیار مهم در شکل دادن به الگوهای جرم است. همچنین شبکه

1- Regina

خیابان و کاربری زمین هر دو در مسائل مرتبط با جرائم محله مشارکت دارند (Giordano and Lauren, 2008). مطالعه‌ای دیگر در امریکا نشان می‌دهد که فارغ از سایر متغیرها، کاربری خاص زمین، اختلاف در سطح جرائم فردی و نرخ خشونت را پیش‌بینی می‌کند. برخی کاربری‌های غیرمسکونی با سطح گسترده‌ای از جرائم در ارتباط‌اند، درحالی‌که برخی دیگر با سطح کم‌تری از آن ارتباط دارند (John and et al, 2009).

بنا به پژوهش پودراتچی، در زمینه فضاهای بدون دفاع شهری در منطقه یازده شهر تهران، مجموعه‌ای از عوامل در پیدایش آسیب‌های اجتماعی شهری و استفاده نامناسب از فضا و بروز احساس ناامنی در شهروندان مؤثر بوده است. این عوامل عبارت است از: علل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در سطح کلان، نهادها و سازمان‌ها در سطح میانه و علل کالبدی و فضایی در سطح خرد. از جمله آسیب‌های اجتماعی شناسایی شده در منطقه مطالعاتی می‌توان به مؤلفه‌های زیر اشاره کرد: شدت آسیب اجتماعی شامل فروشی، حاشیه‌نشینی، کارتن‌خوابی، گذاشتن زباله، ادرارکردن در فضای بیرون، تکدی‌گری، تجمع و لگردان، انواع سرقت، تعرض به نوامیس، مصرف مواد مخدر و فروش آن (پودراتچی، ۱۳۸۱). مطالعه‌ای موضوعی راجع به نگرش زنان به امنیت در شهر مشهد انجام شده است. در این پژوهش، ارتباط بین برخی متغیرهای اجتماعی از قبیل طبقه اجتماعی، وضعیت اشتغال، رتبه شغلی، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل افراد با میزان احساس امنیت را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که مسائلی مانند مزاحمت‌های خیابانی، وجود افراد ولگرد و سارق در خیابان‌ها، شلوغی خیابان‌ها، ناکافی بودن روشنایی ایستگاه‌های اتوبوس و پل‌های زیرگذر موجب احساس ناامنی در محیط شهری می‌شود (زنجانی‌زاده اعزازی ۱۳۸۳). معاونت اجتماعی نیروی انتظامی و مرکز افکارسنجی دانشجویان، از حاشیه‌نشینان استان تهران نظرسنجی کرده است. این نظرسنجی نشان دهنده احساس ناامنی شهروندان از مؤلفه‌های زیر است: حضور علنی معتادان با ۸۲ درصد، ایجاد مزاحمت برای نوامیس مردم با ۷۹ درصد، تجاوز جنسی به زنان با ۵۸ درصد و اخاذی و زورگیری با ۷/۵۴ درصد

(کرامتی، ۱۳۸۴). نتیجه پروژه مطالعاتی در تهران تحت عنوان تدوین ضوابط محیطی پیشگیری از جرائم در فضاهای شهری نشان داد که ۳۷ درصد مردان و ۵۱ درصد زنان عوامل محیطی شهر تهران را عامل اصلی ایجاد احساس ناامنی در فضاهای شهری می‌دانند (صالحی، ۱۳۸۸). پژوهش دیگری نیز در تهران درباره ترس زنان از جرم در فضاهای شهری صورت گرفته است. حدود نیمی از زنان در حد زیاد، ۳۳ درصد در حد متوسط و ۱۹ درصد در حد کم، در فضاهای شهری، از تهدید جرائم می‌ترسیدند. به عبارت دیگر، حدود ۵۰ درصد از زنان به‌هنگام تردد در شهر احساس امنیت نداشتند (علی‌خواه و نجیبی، ۱۳۸۵).

«ناهنجاری‌های اجتماعی از نوع جرم در مناطقی پیدا می‌شود که ویژگی‌هایی مرتبط با داخل شهر دارد. این خصوصیات عبارت است از: درآمد کم، کیفیت پایین فیزیکی، وابستگی، تمرکز قومی، خانه‌های مخروبه، زنان کارگر، سطح پایین فرهنگ و مهارت‌های شغلی، نرخ بالای بیکاری، شلوغی محله و پایین بودن کیفیت منازل، نرخ پایین مالکیت‌های شخصی، استفاده مشاع از زمین و تراکم زیاد جمعیت» (موسوی، ۱۳۷۸).

بنابراین، با توجه به نتیجه پژوهش‌ها و دیدگاه صاحب‌نظران در حوزه علوم اجتماعی، عوامل زیادی در ایجاد احساس ناامنی در محلات شهری مؤثر است. به لحاظ گستردگی ابعاد موضوع، تلفیقی از نظریات یاد شده در این پژوهش به مثابه مدل نظری پژوهش در نظر شده است.

روش

نوع مطالعه و روش اجرا

پژوهش حاضر از نوع پیمایش^۱ بوده و داده‌های آن، براساس مصاحبه منظم گردآوری شده است. پیش از گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه مصاحبه اولیه برای کسب دیدگاه‌ها و داوری‌های تخصصی در اختیار چهار تن از متخصصان قرار داده شد. پس از اعمال

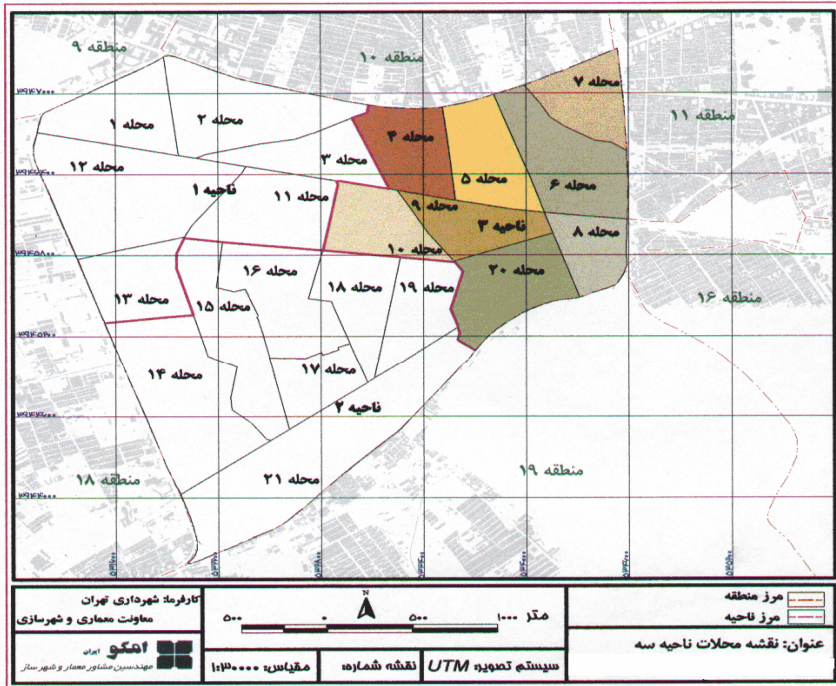
1- Survey

دیدگاه‌های ارائه شده، روایی^۱ آن تأیید شد و روایی صوری پرسش‌نامه مصاحبه به دست آمد. برای سنجش سطح پایایی^۲ آن، از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده، به این صورت که پس از گردآوری اطلاعات در پرسش‌نامه مقدماتی، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده، ۰/۷۴ بود که سطحی پذیرفتنی است. با مراجعه به افراد مورد مطالعه و جلب رضایت آنان برای شرکت در پژوهش، از طریق مصاحبه انفرادی، پرسش‌نامه‌های مرتبط تکمیل شد.

جامعه آماری و روش نمونه

جامعه آماری، در این پژوهش، شامل افراد بیش از شانزده سال است که در محله‌های هشت‌گانه از ناحیه سه در منطقه هفده شهرداری تهران ساکن هستند. ناحیه مذکور، به‌روش تصادفی ساده، از بین نواحی منطقه به مثابه محدوده مطالعاتی انتخاب شد. حجم نمونه در این تحقیق ۳۲۱ نفر است که به کمک فرمول کوکران و با توجه به حجم جمعیت ناحیه ۸۸۱۰۱ نفر تعیین شده است.

برای گردآوری اطلاعات، ابتدا حجم نمونه محاسبه شده به نسبت حجم جمعیت محله‌ها توزیع گردید؛ سپس تعداد بلوک‌های آماری به نسبت حجم نمونه از هر محله و طبق نقشه محله‌های هشت‌گانه (شکل ۱) با نمونه‌گیری تصادفی ساده و با جای‌گذاری، مشخص گردید. با برآورد تعداد واحدهای مسکونی بلوک‌ها و تعیین فاصله بین آن‌ها از نقطه شروع بلوک، افراد پاسخ‌گو به‌روش تصادفی ساده و منظم انتخاب شدند.



نقشه محدوده مطالعاتی، ماخذ: شرکت مهندسی مشاور امکو ایران، ۱۳۸۱

شکل ۱. نقشه محدوده مطالعاتی

تحلیل داده‌ها

پس از گردآوری داده‌ها، با استفاده از نرم‌افزار SPSS داده‌ها پردازش شد. اطلاعات به دست آمده با استفاده از آزمون‌های تحلیل واریانس (آزمون آماری F)، کای اسکویئر و آزمون دقیق فیشر تجزیه و تحلیل گردید.

مفاهیم و متغیرها

احساس ناامنی^۱

عامل امنیت مفهومی بیرونی و عینی^۲ است و احساس امنیت یا ناامنی، مفهومی درونی و ذهنی^۳ به شمار می‌رود. امنیت به معنای نبود عوامل تهدید کننده برای فرد است. نکتهٔ دیگر اینکه افراد احساس امنیت یا ناامنی می‌کنند. احساس ایمنی این است که فرد در درون خود، احساس کند که امنیت دارد و تهدیدی متوجه او نیست. شاید این احساس امنیت با امنیت واقعی تناسب داشته باشد و شاید هم تناسب نداشته باشد (احمدی، ۱۳۸۵). با این توضیح کوتاه، تعریفی نظری و عملیاتی از احساس ناامنی ارائه می‌کنیم.

تعریف نظری

ناامنی پدیده‌ای احساسی و ادراکی است و بیش‌تر به احساس روانی شهروندان از عوامل تهدید کننده مانند جرم ارتباط دارد. ممکن است احساس ناامنی فرد با واقعیت خارجی که همان عوامل تهدید کننده است، تطابق نداشته باشد یا به‌عکس با آن همخوانی داشته باشد؛ بنابراین احساس ناامنی نوعی نگرش فرد به محیط بیرونی از جنبهٔ عوامل تهدید کننده است.

تعریف عملیاتی

احساس ناامنی در این تحقیق به عنوان متغیری ترکیبی و براساس شدت احساس نگرانی یا ترس جامعهٔ آماری از وجود شش نوع از جرائم ارزیابی شده است. این جرائم عبارت است از: خرید و فروش مواد مخدر، مصرف مواد مخدر و حضور علنی معتادان،^۴ سرقت (اعم از منزل یا اتومبیل)، وجود اراذل و اوباش، مزاحمت برای نوامیس مردم و درگیری در محل زندگی خود.

1- sense of insecurity

2- objective

3- subjective

۴- البته به نظر برخی آسیب‌شناسان و جامعه‌شناسان، مصرف مواد مخدر جرم محسوب نمی‌شود، بلکه آسیبی اجتماعی است؛ اما در قوانین جاری کشور ما مصرف مواد مخدر جرم محسوب می‌شود. حضور علنی معتاد در اجتماع و فضاهای شهری نیز با فرهنگ عمومی جامعه و هنجارهای آن، سازگاری ندارد؛ بنابراین دو مقولهٔ مذکور، در تحقیق حاضر، به‌منزلهٔ جرم و نابهنجاری اجتماعی تلقی شده است.

تعلق مکانی

تعریف نظری: برای تعریف تعلق مکانی و تبیین آن، ناگزیر باید به تعریف حس مکان و مراحل مختلف آن اشاره کنیم. حس مکان مجموعه‌ای از حکایت‌ها و روایت‌های فردی و جمعی است که توأم با مکان رخ می‌دهد. شامی (۱۹۹۱)^۱، برای حس مکان، سه مرحله اصلی تعلق به مکان و دل‌بستگی به مکان و تعهد به مکان را با هفت سطح تعیین می‌کند. این سطوح از حس مکان، کاربرد فرایند حس مکان را نشان می‌دهد که به ترتیب زیر است: ۱- بی‌تفاوتی به مکان؛ ۲- آگاهی از قرارگیری در یک مکان؛ ۳- تعلق به مکان؛ ۴- دل‌بستگی به مکان؛ ۵- یکی شدن با اهداف مکان؛ ۶- حضور در مکان و ۷- فداکاری برای مکان.

در تعریف تعلق به مکان آمده است: در این سطح، فرد نه تنها از نام‌ها و نمادهای مکان آگاه است، بلکه با مکان، احساس بودن و احساس برخورداری از تقدیر مشترک نیز دارد. در این حالت، نمادهای مکان، محترم و آنچه برای مکان رخ می‌دهد، برای فرد نیز مهم است (فلاح، ۱۳۸۵).

تعریف عملیاتی: در این پژوهش، احساس تعلق مکانی با شاخص‌های تمایل به ادامه سکونت در محل و ترجیح محله‌ای به سایر محله‌های شهر بررسی شده است.

خانوار

تعریف نظری: خانوار شامل افرادی است که در امرار معاش و خوراک اصلی روزانه شریک و سهیم باشند (امانی، ۱۳۸۸).

تعریف عملیاتی: منظور از بُعد یا حجم خانوار، افرادی است که در یک کانون زندگی می‌کنند، زیر یک سقف می‌خوابند (وحدت محل سکونت)، هم‌خرج هستند (وحدت بودجه) و دور یک میز یا سفره غذا می‌خورند.

1- Shamai

شناسایی محله

تعریف نظری: پیش از تعریف شناسایی، ابتدا محله را تعریف گردد. محله را از دیدگاه‌های مختلف تعریف کرده‌اند. از لحاظ جامعه‌شناسی شهری، محله‌های شهری به مفهوم «واحدهای اجتماعی»^۱ حقیقی هستند که تاحدی به صورت اتفاقی و ناخودآگاه به وجود آمده‌اند و با گذشت زمان، توانسته‌اند شکل و قالب ثابت و پایداری به خود بگیرند و حریم معینی برای خود تعریف کنند. درحقیقت، این محله‌ها از مجموعه افرادی با ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و به‌خصوص اقتصادی مشابه تشکیل می‌شود که به‌واسطه نوعی هم‌بستگی و روابط متقابل جمعی به وجود می‌آیند. بر این اساس، ویژگی هر محله برحسب مورد و مختصات اجتماعی، آن را از سایر محله‌ها متمایز می‌سازد (توسلی، ۱۳۷۹). از منظر برنامه‌ریزی شهری، محله بخش قابل شناسایی از محدوده‌ای شهری یا محدوده‌ای ترکیب شده از کاربری‌های تأمین‌کننده نیازهای ساکنان در ساختار شهر است (Cowan, 2005).

براساس پژوهش‌های کوین لینچ در شناسایی محله، منظره کلی محله و طرح نمای آن، از عوامل مهم و مؤثر به‌شمار می‌رود. سیمای کلی محله را عوامل خاص آن محله مشخص می‌کند که ممکن است اجزای بی‌شمار و متنوعی داشته باشد: بافت محله، فضای آن، فرم آن، اجزای آن، نمادها، نوع ساختمان‌ها، نوع استفاده از ساختمان‌ها، فعالیت‌ها، ساکنان محله، درجه نو یا کهنه بودن محله و وضع پستی و بلندی زمین (لینچ، ۱۳۷۲).

تعریف عملیاتی: مخاطبان تحقیق، ساکنان محدوده مطالعاتی بودند؛ از این‌رو برای سنجش میزان شناسایی محله، از ترکیب سه عامل مشخص استفاده شده: نام محله، شناسایی مرزهای محله که براساس تقسیم‌بندی شهرداری است و شناسایی مسیرهای اصلی محله.

یافته‌ها

مشخصات جمعیت مطالعه

میانگین سن افراد مورد مطالعه، ۳۷/۲ سال و حداقل و حداکثر سن به ترتیب برابر با ۱۶ و ۸۱ سال بوده است. از نظر جنس، ۵۰/۶ درصد مرد و ۴۹/۴ درصد زن، از نظر وضعیت تأهل، ۱۸/۲ درصد مجرد، ۷۶/۲ درصد متأهل، ۹ درصد متارکه کرده، ۴/۶ درصد همسرشان فوت شده بود. از نظر تحصیلات، ۱۱/۴ درصد بی‌سواد، ۲۵/۹ درصد ابتدایی، ۱۹/۴ درصد سیکل و ۴۳/۲ درصد دارای مدرک تحصیلی دیپلم و بیشتر بودند. همچنین از نظر وضعیت شغلی، ۲/۵ درصد بیکار، ۳۷/۷ درصد خانه دار، ۱۵/۴ درصد کارگر و راننده، ۲۴/۱ درصد کاسب و بازنشسته، ۲۰/۴ درصد کارمند و محصل بوده‌اند. درخصوص وجود عوامل محیطی و کالبدی مؤثر در ایجاد ناامنی در محله از نظر پاسخ‌گویان، تاریکی معابر در شب با ۱۸ درصد در رتبه اول، باریکی کوچه با ۱۶/۸ درصد در رتبه دوم و وجود فضای اطراف خطوط راه‌آهن با ۱۴/۴ درصد در رتبه سوم قرار دارد. همچنین به ترتیب ۵۶/۸ درصد و ۵۲/۹ درصد و ۴۵/۵ درصد پاسخ‌گویان، موارد یاد شده را به مثابه عوامل محیطی مؤثر در ناامنی در محله خود، انتخاب کرده‌اند.

جدول ۱. توزیع فراوانی جرائم مختلف به عنوان اولین اولویت مؤثر بر احساس ناامنی از نظر افراد مورد مطالعه

درصد	فراوانی	اولین اولویت جرائم
۳۸/۹	۱۲۶	خرید و فروش مواد مخدر
۱۶/۰	۵۲	مصرف مواد مخدر و حضور معتادان
۱۴/۸	۴۸	سرقت
۲۳/۵	۷۶	وجود اراذل و اوباش
۴/۳	۱۵	مزاحمت برای نوامیس مردم
۲/۲	۷	نزاع و درگیری
۱۰۰	۳۲۴	جمع

داده‌های به دست آمده، رتبه‌بندی مصاحبه شوندگان از انواع جرم، به مثابه اولین جرم موجود در محل سکونت را نشان می‌دهد: خرید و فروش مواد مخدر با ۳۸/۹ درصد در اولین رتبه، وجود اراذل و اوباش با ۲۳/۵ درصد در رتبه دوم، مصرف مواد مخدر و حضور معتادان در محل با ۱۶ درصد در رتبه سوم و ایجاد مزاحمت برای نوامیس مردم و نزاع و درگیری به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارد.

جدول ۲. میزان احساس ناامنی در محله‌های هشت‌گانه

Std. Deviation	Mean	N	محله نام
۰/۸۰۰۱۴	۲/۶۶۲۷	۴۲	دوراهی قبان (شماره ۴)
۰/۶۴۵۳۱	۲/۴۴۲۶	۴۳	باغ خزانه (شماره ۵)
۰/۶۵۴۵۶	۲/۳۱۳۷	۵۱	بلورسازی (شماره ۶)
۰/۴۲۲۷۵	۲/۳۲۳۵	۱۷	امامزاده معصوم (شماره ۷)
۰/۲۷۱۵۴	۲/۷۶۵۴	۲۶	معلم (شماره ۸)
۰/۷۶۵۰۲	۳/۰۵۲۹	۴۶	مقدم شمالی (شماره ۹)
۰/۵۰۰۴۶	۲/۵۸۸۵	۵۵	فلاح (شماره ۱۰)
۰/۴۴۲۴۶	۲/۶۱۲۹	۴۴	مقدم جنوبی (شماره ۲۰)
۰/۶۴۶۵۱	۲/۶۰۵۰	۳۲۴	جمع

جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس نوع محله با میزان احساس ناامنی

Sig.	F	Mean Square	df	Sum of Squares			شماره محله میانگین احساس ناامنی
۰/۰۰۰	۶/۴۴۳	۲/۴۰۹	۷	۱۶/۸۶۲	Combined	Between Groups	
		۳۷۴	۳۱۶	۱۱۸/۱۴۴	Within Groups		
			۳۲۳	۱۳۵/۰۰۶	Total		

فرضیه اول: بین ساکنان محله‌های هشت‌گانه موجود در محدوده مطالعاتی، از نظر میزان احساس ناامنی تفاوت وجود دارد.

در بررسی و آزمون فرضیه فوق، ابتدا، میانگین احساس ناامنی در بین ساکنان محله‌های هشت‌گانه موجود در محدوده مطالعاتی را محاسبه گردید. احساس ناامنی، به عنوان

متغیری ترکیبی و با سنجش میزان احساس نگرانی یا ترس جامعه آماری از وجود شش نوع از جرائم در محل زندگی محاسبه شد. با ملاحظه مقدار p محاسبه شده (۰/۰۰) برای آزمون F می توان نتیجه گرفت که بین میزان احساس ناامنی در ساکنان محله های هشت گانه، تفاوت معناداری مشاهده می شود. بدین معنا که میزان احساس ناامنی بین ساکنان محله های هشت گانه متفاوت از یکدیگر است. ساکنان محله مقدم شمالی با ۳/۰۵۲۹ بیشترین احساس ناامنی را داشته و پس از آن، ساکنان محله معلم با ۲/۷۶۵۴ در رتبه دوم و ساکنان شش محله باقی مانده، به ترتیب، در رتبه های بعدی میزان احساس ناامنی قرار می گیرند: دوراهی قبان، مقدم جنوبی، فلاح، باغ خزانه و امامزاده معصوم.

جدول ۴. بررسی رابطه بین سن، مدت زمان سکونت و میزان شناسایی محله با میزان احساس ناامنی

آزمون دقیق فیشر			متغیرهای مستقل	متغیر وابسته
N of Valid Cases	Exact Sig. (2-sided)	value		
۳۱۲	۸/۶۱۴	۰/۰۵۶	سن	احساس ناامنی
۳۱۲	۳۳۹/۱۱	۰/۰۲۰	مدت زمان سکونت	
۳۱۲	۸۰۸/۵	۰/۱۹۰	سطح شناسایی محله	
۳۱۲	۵۵۴/۵	۰/۲۳۶	تعداد خانوار در واحد مسکونی	

مقدار p محاسبه شده در آزمون فیشر (۰/۰۵۶) بزرگتر از مقدار p ۰/۰۵ است؛ بنابراین رابطه ای بین گروه های مختلف سنی و میزان احساس ناامنی مشاهده نشد و فرضیه دوم رد می شود؛ به این معنا که سن پاسخ گویان در میزان احساس ناامنی آنان تأثیری ندارد. در بررسی رابطه بین مدت زمان سکونت و احساس ناامنی، مقدار p محاسبه شده در آزمون فیشر (۰/۰۲۰) کوچکتر از مقدار p ۰/۰۵ بوده است؛ بنابراین فرضیه سوم با ۹۸ درصد اطمینان تأیید می شود. پس بین مدت زمان سکونت افراد در محله و احساس ناامنی آنان رابطه وجود دارد.

در بررسی ارتباط بین میزان شناسایی محله با احساس ناامنی، مقدار p محاسبه شده در آزمون فیشر (۰/۱۹۰) بزرگتر از مقدار p ۰/۰۵ بوده است. بنابراین فرضیه چهارم رد

می‌شود؛ بدین معنا که بین میزان شناسایی محله سکونی با احساس ناامنی ساکنان آن، رابطه‌ای وجود ندارد. حال باید رابطه بین متغیرهای تعداد خانوار در واحد مسکونی و شدت میزان احساس ناامنی را بررسی کنیم. مقدار p محاسبه شده در آزمون فیشر (۰/۲۳۶) بزرگ‌تر از مقدار p ۰/۰۵ است؛ بنابراین فرضیه پنجم تأیید نمی‌شود. پس نمی‌توان گفت که بین دو متغیر مذکور رابطه وجود دارد.

جدول ۵. بررسی رابطه موجود بین احساس تعلق مکانی با احساس ناامنی

آزمون کای اسکویر				متغیرهای مستقل	متغیر وابسته
N of Valid Cases	value	Exact Sig. (۲-sided)	df		
۳۱۲	(a) ۰/۷۷۸	۰/۰۰۵	۲	احساس تعلق مکانی	الاحساس ناامنی

در بررسی رابطه بین دو متغیر احساس تعلق مکانی و احساس ناامنی، مقدار p محاسبه شده در آزمون کای اسکویر (۰/۰۰۵) کوچک‌تر از مقدار p ۰/۰۵ بوده است؛ بنابراین فرضیه ششم رد می‌شود؛ پس می‌توان پذیرفت که بین احساس تعلق مکانی افراد مورد مطالعه و احساس ناامنی آن‌ها رابطه وجود ندارد.

بحث

در این تحقیق، ارتباط متغیرهای مستقل مانند سن، مدت زمان سکونت، تعداد خانوار، میزان شناسایی محله و تعلق مکانی پاسخ‌گویان با میزان احساس ناامنی (متغیر وابسته) در محل سکونت را بررسی گردید. بنا به یافته‌ها، جرائم رایجی که گستره محدود مطالعه را پوشش می‌دهد، بیش‌تر در زمینه مواد مخدر (اعم از مصرف، خرید و فروش)، سرقت و وجود اراذل و اوباش است. سایر جرائم مانند نگرانی از نزاع و درگیری و... کل محدوده مطالعه را پوشش نمی‌دهد. نتایج حاصل از شناسایی مکان‌های وقوع جرم و ناامن در محدوده مطالعه نشان داد که متغیرهای متعددی در میزان احساس ناامنی ساکنان محله‌ها تأثیرگذارند: ترکیب کاربری اراضی شهری، تراکم جمعیت، میزان فرسودگی بافت، برخی

عوامل کالبدی و محیطی موجود در محله مانند کاربری‌های نامناسب، باریکی کوچه‌ها، تاریکی کوچه‌ها، وجود فضاهای بلااستفاده در کناره محدودده‌های ویژه مانند خطوط راه‌آهن و هم‌جواری با برخی کاربری‌ها ناسازگار در داخل محله‌ها. همچنین در فضاهای عمومی موجود در محدوده مطالعاتی که بدنه و محیط‌های پیرامون آن‌ها دارای ترکیب و تنوع کاربری‌های فراوان است، به علت تنوع فعالیت‌ها، مردم حضور پررونقی دارند. همچنین این‌گونه فضاها، به دلیل تنوع کاربری در راستای تأمین نیازهای روزانه، توانایی جذب افراد مختلف در زمان‌های متفاوت و... را دارا هستند؛ در نتیجه وجود نظارت غیررسمی دائم و به عبارتی، وجود چشمان ناظر بر خیابان بر این‌گونه فضاها در طول روز و حتی پاسی از شب، سبب افزایش احساس امنیت شهروندان می‌شود.

فرضیه اول پژوهش این بود که بین ساکنان محله‌های هشت‌گانه محدوده مطالعاتی، از نظر میزان احساس ناامنی تفاوت وجود دارد. آزمون این فرضیه نشان داد که تفاوت معناداری بین ساکنان محله‌های مختلف وجود دارد. بدین معنا که میزان احساس ناامنی ساکنان در محله‌های هشت‌گانه متفاوت از یکدیگر است و ساکنان محله مقدم شمالی با ۳/۰۵۲۹ بیش‌ترین میانگین میزان احساس ناامنی را دارند؛ پس از آن، ساکنان محله معلم با ۲/۷۶۵۴ در رتبه دوم و ساکنان شش محله باقی‌مانده، از نظر میزان احساس ناامنی، به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. این شش محله عبارت است از: دوراهی قپان، مقدم جنوبی، فلاح، باغ خزانه و امامزاده معصوم. یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعات والاس و دیگران (Wallace and et al, 2006) در زمینه تأثیر ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی محلات شهری بر میزان وقوع جرم و بروز ناامنی همخوانی دارد. این یافته‌ها همچنین با پژوهش طاهرخانی (۱۳۸۱) در خصوص احساس ناامنی شهروندان در هشت شهر بزرگ ایران مطابق است. نیز با پژوهش عربی (۱۳۸۴) در خصوص بررسی امنیت اجتماعی از دیدگاه شهروندان در هشت شهر ایران و وجود رابطه معنادار بین مناطق مختلف شهرها و ماهیت و تکرار جرائم همخوانی دارد.

به طور کلی، تداوم حضور مردم در فضاهای عمومی، روزبه‌روز، بر رونق آن و تشویق به استفاده از آن افزوده است. حتی ممکن است، در بلند مدت، تعاملاتی اجتماعی میان استفاده‌کنندگان برقرار کند که در این وضعیت نیز سرزندگی و پویایی فضا افزایش می‌یابد و به افزایش احساس امنیت در شهروندان کمک می‌کند.

Archive of SID

بنا به یافته‌های این پژوهش، افرادی که مدت زمان طولانی در محله سکونت داشتند، در مقایسه با دیگر افراد، امنیت بیش‌تری احساس می‌کردند. همچنین متغیرهایی مانند سن و میزان شناسایی محله در احساس ناامنی ساکنان تأثیری نگذاشته است. در این بررسی، محله‌هایی که ساکنان آن، احساس ناامنی کم‌تری درمقایسه با دیگران داشتند، از تراکم جمعیتی کم‌تر و بافت فرسوده کم‌تری برخوردار بودند. به عکس، محله‌هایی که ساکنان آن احساس ناامنی بیش‌تری داشتند، دارای تراکم جمعیتی بیش‌تر و بافت فرسوده‌تری بودند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش موسوی (۱۳۷۸) مبنی بر تأثیر شلوغی محله و تراکم زیاد جمعیت بر ناهنجاری‌های اجتماعی و احساس ناامنی ساکنان محلات همسویی دارد. برخلاف نتایج پژوهش‌های فیشر^۱ و گرین برگ^۲ (۱۹۸۲) مبنی بر ارتباط بین پیوند محله‌ای و ارتباط ضعیف آن با احساس ترس و ناامنی ساکنان، فرضیه آخر پژوهش درخصوص رابطه بین تعلق مکانی و احساس ناامنی افراد تأیید نشد.

پیشنهادها

- ۱- کاهش عوامل تسهیل‌کننده جرم و ناامنی در محلات از طریق اتخاذ سیاست‌های برنامه‌ریزی اجتماعی و شهری. ایجاد تغییر در ساختار محیط فیزیکی و اثرگذاری بر شیوه استفاده مردم از محیط و افزایش نظارت شهروندان.
- ۲- ارتقاء احساس امنیت و سلامت اجتماعی شهروندان با بهره‌گیری از مددکاری اجتماعی و کار با جامعه (رشد و توسعه محلی، افزایش مشارکت محلی).
- ۳- کاهش تراکم جمعیت و افزایش متراژ واحدهای مسکونی در محله، با اتخاذ سیاست‌های سلبی، مانند سخت‌گیری در صدور پروانه‌های ساختمانی به متراژهای پایین درقبال اتخاذ سیاست‌های تشویقی بر واحدهای مسکونی با متراژ بالا.

1- Fischer

2- Greenberg

۴- اتخاذ سیاست‌های تشویقی در راستای شکل‌گیری کاربری‌های مختلط، قرارگیری ترکیبی از کاربری‌ها مانند فروشگاه‌ها، مراکز خدماتی، درمانی و... در کنار محیط‌های مسکونی. همچنین ترکیب واحدهای همسایگی، بلوک‌ها و ساختمان‌ها، زمینه حضور چشمگیر قشرهای مختلف مردم در فضاها و زمان‌های مختلف را فراهم خواهد ساخت. بدین ترتیب، سطح دسترسی به خدمات ضروری برای ساکنان و نظارت طبیعی بر فضاها افزایش خواهد یافت. حتی تنوع افراد در محله‌ها از نظر طبقه، فرهنگ و نژاد، نوعی سرزندگی در محیط ایجاد می‌کند. این موضوع، از شدت یکنواختی فضاها می‌کاهد. درنهایت، مراتب فوق ارتقاء احساس امنیت استفاده‌کنندگان از فضاها را موجب خواهد شد. سرزندگی فضا و مکان با تنوع فعالیت‌ها و جذب شهروندان به حضور در آن‌ها فراهم می‌شود و برای تحقق بخشیدن به آن، ایجاد قابلیت پیاده‌روی، مکث در فضا، تنوع کاربری و فعالیت از اهمیت فراوانی برخوردار است. مؤلفه‌های یاد شده در تعامل با یکدیگر عمل می‌کند؛ بدین ترتیب که تنوع کاربری، مکث در فضا و قابلیت پیاده‌روی را تشویق می‌کند؛ در نتیجه چشمان ناظر بر مکان یا به عبارتی نظارت غیررسمی بر مکان افزایش می‌یابد.

۵- تغییر کاربری‌های ناامن‌کننده و مستقر در مجاورت محیط‌های مسکونی و حذف کاربری‌هایی با عملکرد فرامنطقه‌ای یا فرانااحیه‌ای ناسازگار با محیط‌های مسکونی، از طریق ضوابط و مقررات. درواقع، انعطاف‌پذیری فضاها امکان حذف فعالیت‌های ناسازگار و تشویق فعالیت‌های سازگار و مناسب با محیط‌های مسکونی را فراهم می‌کند. بدین ترتیب، فعالیت‌ها و کاربری‌های متناسب با نیازهای محلی شکل می‌گیرد و استمرار زمانی فعالیت‌ها در شبانه‌روز تا حدودی تحقق پیدا می‌کند.

۶- اجباری کردن پارکینگ برای واحدهای مسکونی و ایجاد پارکینگ محله‌ای در راستای کاهش سرقت از اتومبیل.

۷- تعریض معابر در داخل محله‌ها و ترغیب ساکنان به تأمین روشنایی مطلوب معابر در شب.

۸- اعمال سیاست‌های حمایتی و تشویق ساکنان بافت‌های فرسوده ناامن به بازسازی و تجمیع.

۹- انتخاب پوشش گیاهی مناسب برای فضاهای سبز، حذف نقاط کور و خلوت در پارک‌ها و سایر فضاها و افزایش قابلیت استفاده از پارک‌ها با افزایش نظارت رسمی و غیررسمی.

۱۰- ایجاد فضاهای عمومی، فرهنگی و ورزشی برای برقراری تعاملات اجتماعی ساکنان محله و گذران اوقات فراغت در آن. انسان از طریق آزادی فعالیت و میسر بودن زمینه دخل و تصرف در فضا، با آن ارتباط برقرار می‌کند. در این وضعیت، مطلوبیت فضا برای حضور بیش‌تر می‌شود و به مرور زمان، این موضوع تعلق فرد به فضا را افزایش می‌دهد؛ در نتیجه مسئولیت‌پذیری بیش‌تری در قبال آن و در وجود خود، احساس خواهد کرد و درنهایت، امنیت مکانی افزایش خواهد یافت.

- احمدآبادی، ز. صالحی هـ احمدآبادی، ع. (۱۳۸۶)، رابطه مکان و جرم، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۷ (۲۷).
- احمدی، ع. (۱۳۸۵)، امنیت و احساس امنیت، فصلنامه تخصصی و کاربردی مطالعات امنیت اجتماعی، ش ۴ و ۵، تهران: آشنایی.
- امانی، س. (۱۳۸۸)، جمعیت‌شناسی عمومی ایران، تهران: سمت.
- بوئر، آ. روفر، ا. (۱۳۸۲)، خشونت و ناامنی شهری، (ترجمه محمدرضا گودرزی بروجردی)، تهران: مجد.
- پودراتچی، م. (۱۳۸۱)، فضاهای بدون دفاع، شهرداری‌ها، سال ۴ (۴۱).
- تاک و تیسدل. (۱۳۸۰)، امن‌سازی مراکز شهرها؛ تجربه کاونتری و ناتینگهام، (ترجمه علی عربی دانا)، شهرداری‌ها سازمان شهرداری‌های کشور، تهران، سال ۳ (۳۴).
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی شهری، ج ۶، تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور.
- زنجانی‌زاده اعزازی، هـ (۱۳۸۳)، زنان و امنیت شهری، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال ۳۴ (۴ و ۳).
- صالحی، ا. (۱۳۸۳)، عوامل فضایی و کالبدی مؤثر در پیدایش آنومی در محله‌های شهری، چکیده مقالات همایش توسعه محله‌ای چشم‌انداز توسعه پایدار شهر تهران.
- طاهرخانی، ح. (۱۳۸۱)، میزگردی تحت عنوان نقش فضاهای شهری در تأمین امنیت اجتماعی، شهرداری‌ها، سال ۴، ش ۴۱.
- عربی، ف. (۱۳۸۴)، بررسی امنیت اجتماعی از دیدگاه شهروندان هشت شهر (تهران، همدان، ارومیه، شیراز، کرمان، یزد، اصفهان، مشهد)، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، ج ۳، تهران: آشنایی.
- فلاحت، م. (۱۳۸۵)، حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن، مجله هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ش ۲۶.
- کرامتی، م. (۱۳۸۴)، بررسی میزان احساس امنیت در بین حاشیه‌نشینان شهرستان‌های استان تهران، فصلنامه تخصصی کاربردی مطالعات امنیت اجتماعی، ش ۱.
- لینچ، ک. (۱۳۷۲)، سیمای شهر (ترجمه منوچهر مزینی)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- مهندسین مشاور امکو ایران. (۱۳۸۱)، بررسی مسائل توسعه شهری منطقه ۱۷ تهران.
- موسوی، ی. (۱۳۷۸)، تبیین نظری و جامعه‌شناختی جرائم شهری، اطلاعات سیاسی اقتصادی، تهران، سال ۱۳، ش ۱۱ و ۱۲ (۱۳۳ تا ۱۴۴).
- علی‌خواه، ف. و نجیبی ربیعی، م. (۱۳۸۵)، زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۶ (۲۲): ۱۲۷.
- Ackerman, w.v and Murray, A.T. (2004), **Assessing spatial patterns of crime in lima**, ohio.cities, 21.
- Cowan, R. (2005), **The Dictionary of Urbanism**, London, Street Wise Press.
- Fischer, c. (1982), **To dwell among friends**, Chicago, university of Chicago.
- Greenberg, S. Rone, W. and Williams, L.(1982).
- Fitzgerald,R.,Wisener,M. and Savoie,J.(2004), **Statistics Canada, Neighbourhood characteristics and the distribution of crime in Winnipeg , 2004** , available [http:// www.statcan.ca](http://www.statcan.ca)
- McCord, E. S. and Ratcliffe J. H. (2009), Intensity Value Analysis and the Criminogenic Effects of Land use Features on Local Crime Patterns, **Crime Patterns and Analysis**, Vol. 2 (1): 17, available at: www.jratcliffe.net/papers/McCord_Ratcliffe.
- Giordano, Lauren M. (2008), **Land Use, Street Networks, and Crime Patterns in the Mattapan Section of Boston, Massachusetts**, Paper presented at the annual meeting of the ASC Annual Meeting, St. Loui.
- Petrella, L. (2004), **Urban Space and Security Policies: between inclusion and privatization**, UN-HABITAT, World Urban Forum, Barcelona, Spain. available at: http://www.unhabitat.org/programmes/safercities/WUF_UrbanSpace.asp
- Wallace, M. and Wisener, M. and Collins, K. (2006), **Statistics Canada, Neighbourhood Characteristics and the Distribution of Crime in Regina**. available at: <http://www.statcan.ca>.
- Laura, M.F. Diane, E.A. Chappell, N. L. (downloaded on October 26, 2009) University of Victoria Testing the Relationship Between Involvement and Perceived Neighborhood Safety A Multinomial Logit Approach, *Environment and Behavior*, Vol39 (3), May 2007: 332-333. available at: <http://online.sagepub.com>.
- Stucky, T.D. and Ottensmann, J.R. (2009), Land use and Violent Crime, **Criminology**, Vol47(4), November 2009: 1223-1264(42), available at: <http://www.ingentaconnect.com/content/bsc/crim>.